

کیفرشناسی ماهیت مجازات‌های تکمیلی

شهرام ابراهیمی^۱ و زهرا بازوبند^۲

چکیده

زمینه و هدف: در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانون‌گذار مجازات‌هایی را با عنوان «مجازات‌های تکمیلی» پیش‌بینی کرده است. شناسایی ماهیت این گونه مجازات‌ها به جهت امکان اعمال این دسته از واکنش‌ها در معیت مجازات‌های حدی و قصاص و وجود قواعدی هم‌چون «منع مجازات کردن جانی بیش از جانش» و «ثابت و مشخص بودن مجازات در جرائم حدی»، از اهمیت بسزایی برخوردار است. زیرا در صورت ماهیت کیفری داشتن مجازات‌های تکمیلی، اقدام قانون‌گذار در راستای امکان اعمال این واکنش‌ها همراه با مجازات‌های حدی و قصاص، مغایر با این قواعد است. بنابراین پرسش پژوهش حاضر این است که ماهیت مجازات‌های تکمیلی چیست؟ آیا این مجازات‌ها در قلمرو واکنش‌های کیفری قرار می‌گیرند یا آنها را باید در زمره واکنش‌های غیرکیفری برشمرد؟

روش‌شناسی: این پژوهش به روش تحلیلی توصیفی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تنظیم شد و با مراجعه به کتابخانه اعم از واقعی و مجازی، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بنابراین، با تکیه بر تعریف، ماهیت و ویژگی‌های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات ضمن بیان تعریفی جامع و کامل از مجازات‌های تکمیلی، جایگاه این گونه اقدامات در واکنش‌های جزایی و طبقه‌بندی مجازات‌ها بررسی و با توجه به ماهیت پیشگیرانه مجازات‌های تکمیلی، مصادیق آن از منظر جرم‌شناسی تحلیل شد.

یافته‌ها و نتایج: با دقت نظر در ویژگی‌های مجازات‌های تعزیری می‌توان گفت مجازات‌های تکمیلی در زمره گونه‌های غیرکیفری تعزیری قرار می‌گیرند و مقصود قانون‌گذار از بکارگیری عنوان مجازات بر این اقدامات، معنای عام مجازات و قراردادن این گونه اقدامات در زمره نوعی واکنش جزایی، صرف نظر از ماهیت کیفری یا غیرکیفری آنها، جهت مقابله با ارتکاب جرم است. بنابراین می‌توان گفت مجازات‌های تکمیلی به واقع تدابیری است تأدیبی برای پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم که با توجه به جرم ارتكابی و مجازات قابل اعمال بر مرتکب در خصوص برخی از مجرمان اعمال می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مجازات‌های تکمیلی، واکنش‌های کیفری، واکنش‌های غیرکیفری، تعزیرات

□ استناد: ابراهیمی، شهرام؛ بازوبند، زهرا (پاییز، ۱۳۹۷). کیفرشناسی ماهیت مجازات‌های تکمیلی. فصلنامه رهیافت پیشگیری، ۱(۳)، ۹۱-۱۰۸.

مقدمه

مجازات‌های تکمیلی نخستین بار با عنوان «کیفرهای تکمیلی» در ماده ۱۹ اصلاحی قانون مجازات عمومی، مصوب ۱۳۲۸/۴/۷، بند الف در فصل سوم با عنوان «در جزایهای تبعی»، به صورت مصادیق کیفرهای تبعی و تکمیلی بیان شده بود. پیش از آن در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، تنها از جزایهای تبعی یاد شده بود و سخنی از مجازات‌های تکمیلی در میان نبود. با اصلاح قانون مجازات عمومی در تاریخ ۱۳۵۲/۳/۷، مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی و ممنوعیت یا اجبار به اقامت در محل معین، به عنوان مصادیق مجازات‌های اصلی حذف شد و مطابق ماده ۱۵، زیر عنوان مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تبعی و تکمیلی قرار گرفت. در این قانون از «اقدامات تکمیلی» با عنوان «مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی» یاد شده است و تنها تمایز میان مجازات‌های تکمیلی و تبعی لزوم یا ترک لزوم قید آنها در حکم است. پس از انقلاب با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۰، قانون مجازات عمومی به کلی منسوخ شد، در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، قانون‌گذار با شرایطی امکان اعمال مجازات‌های تتمیمی را پیش‌بینی کرده بود.

با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، تحولی شگرف در قانون‌گذاری مجازات‌های تکمیلی به وجود آمد. از جمله اقدامات قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، گسترش دامنه اعمال مجازات‌های تکمیلی در این قانون در مقایسه با قوانین سابق بر وضع آن است. همچنین بکارگیری عنوان مجازات برای این دسته از واکنش‌ها، نقطه عطف تحول قانون‌گذاری این دسته از واکنش‌ها است؛ بنابراین به ظاهر قانون‌گذار قائل به ماهیت مجازات گونه آنهاست به گونه‌ای که برخی حقوق‌دانان با توجه به این عملکرد قانون‌گذار، این گونه اقدامات را در ردیف مجازات‌ها قرار داده و قائل به ماهیت کیفری آنها هستند، اما باید خاطر نشان ساخت که قرار دادن اقدامات یاد شده در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در زمره واکنش‌های کیفری مشکلاتی ایجاد خواهد کرد من جمله اینکه، با توجه به ثابت و مشخص بودن مجازات در مقابل ارتکاب جرائم حدی و جنایات، امکان اعمال واکنش کیفری مضاعف در کنار حدود و قصاص، چندان قابل توجیه به نظر نمی‌رسد؛ بنابراین این پرسش مطرح می‌شود که، «ماهیت مجازات‌های تکمیلی با توجه به زمینه‌های مختلف این مجازات‌ها چیست؟». در این پژوهش هدف اصلی شناسایی ماهیت مجازات‌های تکمیلی است و دستیابی به این هدف مستلزم تبیین این مسئله

است که بدانیم جایگاه مجازات‌های تکمیلی در واکنش‌های جزایی (واکنش‌های کیفری و واکنش‌های غیرکیفری) چیست و این‌گونه اقدامات در شمول کدام دسته از طبقه‌بندی مجازات‌ها قرار می‌گیرند؟ (حدود، تعزیرات و مانند آن).

مبانی نظری: با توجه به تقسیم‌بندی دوگانه تعزیرات به واکنش‌های کیفری و واکنش‌های غیرکیفری، مجازات‌های تکمیلی را باید در زمره گونه‌های غیرکیفری تعزیری برشمرد.

مجازات‌های تکمیلی: با توجه به ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، شرایط اعمال و ویژگی‌های مجازات‌های تکمیلی را می‌توان به این صورت دسته‌بندی کرد:

الف. در صدر ماده اشاره به لزوم محکومیت متهم به مجازات حد، قصاص یا مجازات تعزیری درجه یک تا شش دارد، بنابراین مجازات‌های تکمیلی به دنبال محکومیت به مجازات اصلی است و به صورت مجزا و بدون اثبات مجرمیت و صدور حکم محکومیت، قابلیت اعمال ندارند و در صورت محکومیت مرتکب به هر نوع مجازات حدی و یا قصاص و تعزیرات درجه یک تا شش، صرف نظر از نوع مجازات اعمال شده، می‌توان مجازات‌های تکمیلی را مورد حکم قرار داد.

ب. مصادیق مجازات‌های تکمیلی به دو دسته عام و خاص تقسیم می‌شوند. چنانچه قاضی با رعایت شرایط مقرر در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، یکی از بندهای این ماده را به عنوان مجازات تکمیلی مورد حکم قرار دهد، مجازات تکمیلی عام است؛ زیرا مطابق ماده ۲۳، مجازات‌های تکمیلی یاد شده در این ماده، صرف نظر از نوع مجازات اعمال شده، مکمل همه مجازات‌های حدی و انواع قصاص و تعزیرات درجه یک تا شش، هستند، ولی مجازات‌های تکمیلی موجود در قوانین خاص، همچون ماده ۱۵ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ و ماده ۶۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ و نیز مجازات‌های تکمیلی موجود در سایر مواد قانونی که در خصوص جرائم خاص و یا مرتکبان خاص قابلیت اعمال دارند، مجازات‌های تکمیلی خاص هستند؛ زیرا این دسته از مجازات‌های تکمیلی تنها در خصوص برخی جرائم خاص یا مرتکبان خاص، قابلیت اعمال دارند.

پ. قانون‌گذار اقدامات تکمیلی موجود در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی را به ظاهر در ردیف مجازات‌ها قرار داده است و از آنها با عنوان «مجازات‌های تکمیلی» سخن به میان آورده است، ولی به نظر می‌رسد بکارگیری لفظ مجازات صحیح نیست زیرا این‌گونه اقدامات همه اهداف و ویژگی‌های

مجازات‌ها را ندارند و بیشتر در راستای پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم در آینده هستند، همچنین قرار دادن آنها در زمره مجازات‌ها مشکلاتی در پی خواهد داشت؛ بنابراین بهتر است مصادیق یاد شده در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی را از زیر عنوان مجازات‌ها خارج کنیم، مگر بکار بردن لفظ «مجازات» را مبتنی بر مفهوم عام تعزیرات دانسته و این مجازات‌ها را زیرمجموعه «گونه‌های غیرکیفری تعزیری» قرار دهیم. بنابراین بکار بردن عنوان «اقدامات تکمیلی» صحیح‌تر است، زیرا اقدام مصدر باب افعال از ریشه قدم و در لغت به معنای از پیش به سوی چیزی رفتن است، بنابراین بکار بردن عنوان «اقدام» برای مجازات‌های تکمیلی با هدف بارز این مجازات‌ها که همان پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم است، مطابقت بیشتری دارد و چون این اقدامات به دنبال محکومیت به مجازات اصلی و تکمیل کننده این مجازات‌ها در راستای یکی از اهداف مجازات‌ها یعنی پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم است، بنابراین عنوان «اقدامات تکمیلی» شایسته‌تر است.

ت. از دیگر ویژگی‌های مجازات‌های تکمیلی، لزوم قید این مجازات‌ها در دادنامه است. با توجه به آنچه گفته شد در یک تعریف جامع می‌توان مجازات‌های تکمیلی را بدین صورت تعریف کرد: «پاره‌ای از اقدامات غیرکیفری تعزیری، که با رعایت شرایط قانونی پس از محکومیت به مجازات اصلی، در خصوص مجرم در دادنامه مورد حکم قرار می‌گیرند». در این تعریف بکار بردن کلمه اقدامات، تأکیدی بر ماهیت غیرکیفری مجازات‌های تکمیلی است، همچنین لزوم قید مجازات‌های تکمیلی در دادنامه، آنها را از مجازات‌های تبعی متمایز می‌سازد، ضمن این که عبارت «... پس از محکومیت به مجازات اصلی، در خصوص مجرم در دادنامه مورد حکم قرار می‌گیرند»؛ این مجازات‌ها را از اقدامات تأمینی متمایز می‌سازد زیرا اقدامات تأمینی بر اشخاص فاقد مسئولیت کیفری نیز اعمال می‌شوند.

جایگاه مجازات‌های تکمیلی در سیاهه پاسخ‌های کیفری: جهت تبیین ماهیت مجازات‌های تکمیلی نخست باید کیفری یا غیرکیفری بودن این گونه واکنش‌ها را مورد بررسی قرار داد. ماهیت در لغت به معنی طبیعت، ذات و چیستی شیء ترجمه شده است (دهخدا، ۱۳۷۳). نهاد و سرشت چیزی را ماهیت آن گویند (عمید، ۱۳۶۵). بنابراین ماهیت یعنی ذات و چیستی یک شیء یا موضوع، بنابراین وقتی می‌گوییم «ماهیت مجازات‌های تکمیلی» یعنی در صدد یافتن طبیعت و سرشت این مجازات‌ها هستیم؛ بدین معنا که باید روشن ساخت این اقدامات در قانون مجازات اسلامی جزء کدام دسته از واکنش‌های

جزایی (واکنش‌های کیفری و واکنش‌های غیرکیفری) قرار دارند.

ماهیت کیفری مجازات‌های تکمیلی: مطابق قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲، قانون‌گذار «اقدامات تکمیلی» را با عنوان «مجازات» قلمداد کرده است و این دسته اقدامات را در ردیف واکنش‌های کیفری قرار داده است و امکان اعمال مجازات‌های تکمیلی به دنبال محکومیت متهم به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه ۶ تا درجه ۱، را مجاز شمرده است. در تعریف مجازات باید گفت: «کیفر، پاداشی است آمیخته با رنج و استخفاف و مناسب با جرم که به موجب قانون یا شرع و به وسیله مراجع ذیصلاح علیه یکی از حقوق بزهکار اعمال می‌شود» (صادقی، بی تا). در این تعریف ضمن بیان ویژگی‌های مجازات‌ها، موضوع آنها (حقوق بزهکار)، نیز در نظر گرفته شده است و مجازات را فقط یک واکنش اجتماعی علیه بزهکار محسوب نمی‌کند.

غالب حقوق‌دانان بر این عقیده هستند اقداماتی که با عنوان «مجازات‌های تکمیلی» در قانون مجازات اسلامی وجود دارند، ماهیتی همچون ماهیت مجازات‌ها دارند، بنابراین این اقدامات را در ردیف مجازات‌ها قرار می‌دهند و مجازات‌ها را بر مبنای نسبت آنها با یکدیگر به سه دسته مجازات‌های اصلی، مجازات‌های تکمیلی و مجازات‌های تبعی تقسیم می‌کنند و در بیان تعریف این سه دسته از مجازات‌ها بیان می‌کنند که: «مجازات‌ها را می‌توان از نظر ارتباطی که با هم دارند به مجازات‌های اصلی و تکمیلی و تبعی تقسیم کرد. مجازات‌های اصلی عبارت از مجازات‌هایی هستند که مخصوص به هر جرم بوده و برای هر یک، مدت آن را قانون مشخص کرده و درباره مجرمان زمانی به مورد اجرا گذاشته می‌شود که، دادرس دادگاه به طور صریح آن را در حکم قید و میزان آن را تعیین کرده باشد. همچنین مجازاتی که قانون‌گذار برای یک عمل مجرمانه پیش‌بینی می‌کند، ممکن است با در نظر گرفتن نوع جرم ارتكابی و درجه و اهمیت آن، مجازات دیگری هم مقرر بدارد، این مجازات اضافی را مجازات تبعی یا تکمیلی گویند» (شامبیاتی، ۱۳۸۹، ص ۳۳۹).

در تعریف مجازات‌های تبعی و تکمیلی بیان می‌کنند: «مجازات‌های تبعی به خودی خود و بدون نیاز به درج در حکم دادگاه، به کیفرهای اصلی اضافه می‌شوند و کیفر تکمیلی در واقع همان کیفر تبعی است، با این تفاوت که مثل کیفر اصلی در حکم دادگاه قید می‌شود» (شامبیاتی، ۱۳۸۹، ص ۳۴۰). حال با توجه به اینکه قانون‌گذار خود از عبارت «مجازات‌های تکمیلی» استفاده کرده است از این

اقدام قانون گذار می توان دو گونه برداشت کرد. نخست این که قانون گذار با استعمال لفظ مجازات بر این گونه اقدامات، در حقیقت قائل به ماهیت مجازات گونه آنهاست؛ پژوهش های حقوق دانانی همچون اردبیلی (۱۳۹۳)، ساولانی (۱۳۹۲)، باهری (۱۳۸۱)، زراعت (۱۳۹۲) و آقایی جنت مکان (۱۳۹۷) در کنار طبقه بندی اصلی مجازات ها در قانون مجازات، دسته بندی دیگری از مجازات ها با عنوان «طبقه بندی مجازات ها بر مبنای نسبت آنها با یکدیگر» ارائه داده اند، که بر این مبنا مجازات های تکمیلی را در مقابل مجازات های اصلی و در ردیف واکنش های کیفری قرار می دهند، اما «مجازات های تکمیلی» را نمی توان در ردیف واکنش های کیفری قرار داد، زیرا این اقدام مشکلاتی را ایجاد خواهد کرد، ضمن این که ضرورتی بر مجازات دانستن این گونه تدابیر وجود ندارد. برداشت دوم این که، بکار بردن لفظ مجازات برای این گونه اقدامات در معنای عام مجازات، صحیح تر به نظر می رسد. بدین معنا که مقصود قانون گذار از بکار بردن عنوان مجازات بر این تدابیر، مجازات در معنای اخص آن که فقط شامل واکنش های کیفری است، نیست، یعنی قانون گذار با بکار بردن عنوان «مجازات های تکمیلی» در صدد قرار دادن این گونه اقدامات در مفهوم نوعی واکنش کیفری نیست، بلکه قانون گذار آنها را در مفهوم عام مجازات، یعنی به عنوان گونه ای از واکنش ها اعم از کیفری و غیرکیفری، در مقابل ارتکاب جرم می داند؛ بر اساس این دلایل می توان گفت مجازات های تکمیلی ماهیتی غیرکیفری دارند.

ماهیت غیرکیفری مجازات های تکمیلی: با دلایلی می توان بر ماهیت غیرکیفری داشتن مجازات های تکمیلی صحه گذاشت. «از نکات جالب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، این است که برخلاف قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ که بکار بستن مجازات های تکمیلی را تنها در جرم های تعزیری و بازدارنده پیش بینی کرده بود، قلمرو تعیین این مجازات ها را به جرم های مستلزم مجازات های شرعی، یعنی حدود و قصاص نیز تسری داده است» (طاهری، ۱۳۹۲، ص ۱۸۰) بنابراین به نظر می رسد دلیل این امر آن باشد که، چون مجازات های حدود و قصاص در شرع و قانون ثابت و میزان آنها مشخص است و کمیت و کیفیت این مجازات ها قابل تغییر نیست، بنابراین قانون گذار به قاضی این اختیار را داده است که متناسب با جرم ارتكابی و ویژگی های مرتکب، در راستای تکمیل اهداف و آثار مجازات ها، در مواردی که ضرورت اقتضا می کند اقدامات دیگری را نیز علاوه بر مجازات های حدود و قصاص بر مرتکب اعمال کند، زیرا حقوق جزای کنونی بیش از پیش در راستای فردی کردن مجازات ها با بکارگیری شیوه های تربیتی متناسب

با ویژگی‌های هر یک از بزهکاران گام بر می‌دارد، زیرا همان گونه که شیکر (۱۳۹۰) بیان کرده است یکی از مشکلات نظام‌های قضایی، شیوع تکرار جرم است و معیار ارزیابی موفقیت نظام‌های عدالت هر کشور، میزان تکرار جرم و بازگشت دوباره مجرم به فرآیند کیفری است، بنابراین فردی کردن مجازات‌ها و تأکید بر این نکته که «استفاده از مجازات‌های جامعه‌مدار موجب کاهش تکرار جرم می‌شود» (زینالی و بهرامی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۱)، اقدامی در راستای فقدان تکرار جرم است، زیرا «جرم‌شناسان اتفاق نظر دارند که از ابتدای پیدایش جرم‌شناسی علمی، بازپروری و اصلاح بزهکاران، هدف اساسی آموزش و تحقیقات جرم‌شناسی محسوب می‌شد؛ به عبارتی، یافته‌های جرم‌شناسی کاربردی، جهت‌گیری حقوق کیفری و کیفرشناسی را تحت تأثیر قرار دادند. قانون‌گذار کیفری نیز به نوبه خود، با فردی کردن تدابیر کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی، محاکمه، تعیین و اجرای کیفری به این حوزه علاقه نشان داد» (ابراهیمی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۲) و همان گونه که نجفی ابرندآبادی (۱۳۹۵) بیان داشته‌اند، قوانین ملی و بین‌المللی ضمن تصریح بر بازپروری، اجرای این مهم را از رهگذر رعایت حقوق بنیادین وی میسر می‌دانند. بنابراین پرسشی که مطرح می‌شود این است که اگر اقدامات یاد شده در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، مجازات هستند، چرا قانون‌گذار این اجازه را داده است که به ازای عملی که مستوجب مجازات حد و یا قصاص است، هم مجازات حد و قصاص را اعمال کنیم و هم مجازاتی مازاد بر آن دو، بدین معنا که برای عملی که در شرع مجازات آن به دقت مشخص شده است و قابل تغییر نیست (نمی‌توان آن را افزایش یا کاهش داد) و با توجه به تعریف مشخص، جامع و قواعد خاص جرائم و مجازات‌های حدی و قصاص و وجود قواعدی همچون قاعده «ثابت و لایتغیر بودن حدود» و «مجاز نبودن مجازات کردن جانی به بیش از جان» در قصاص، چرا قاضی این اختیار را داشته باشد که مجازات دیگری نیز بر مجازات مقدر بیفزاید و برای عمل واحد دو مجازات بر مرتکب اعمال کند؟

با توجه به این که هدف قانون‌گذار از قرار دادن مجازات‌های تکمیلی در معیت مجازات‌های حدی و قصاص، تکمیل این مجازات‌ها در راستای اهداف و آثار این گونه مجازات‌هاست، باید برای رفع این ایرادات و به دلیل لزوم بقای این گونه اقدامات در کنار مجازات‌های حدی و قصاص، مجازات‌های تکمیلی را فاقد ماهیت کیفری دانست و این گونه اقدامات را از ردیف واکنش‌های کیفری خارج ساخت. همچنین در بیان اهداف و ویژگی‌های واکنش‌های کیفری، اصلاح بزهکار، حمایت از جامعه، ارباب بزهکار (پیشگیری

فردی)، ارباب دیگران (پیشگیری عمومی)، جلب رضایت مجنی علیه از جمله اهداف مجازات‌ها و رنج آوری، رسوا کنندگی، معین و قطعی بودن از جمله ویژگی‌های مجازات‌ها برشمرده شده‌اند؛ اما آنچه مطابق ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی واضح و مبهرن است این است که، مجازات‌های تکمیلی لزوماً همه اهداف و ویژگی‌های مجازات‌ها را ندارند و مصادیق مجازات‌های تکمیلی در این ماده به گونه‌ای است که بیشتر در راستای پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم در آینده است و ویژگی رسوا کنندگی این مجازات‌ها در مقایسه با مجازات‌هایی همچون قصاص نفس و قصاص عضو، قطع عضو و صلب در حدود و سایر مجازات‌های اشد در قانون، بسیار ناچیز است؛ بنابراین لزومی بر قرار دادن چنین مجازات‌های خفیفی در مقایسه با مجازات‌های اشدی که در جنایات و جرائم حدی اعمال می‌شوند وجود ندارد، مگر این که قانون‌گذار هدف دیگری از قرار دادن این اقدامات در معیت مجازات‌های اشد داشته باشد؛ همچنین مجازات‌های تکمیلی در مقایسه با سایر مجازات‌ها فاقد ویژگی قطعیت و حتمیت هستند، بدین معنا که قاضی مختار است از میان اقدامات موجود در بندهای ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، یک یا چند مورد را به اختیار خود به عنوان مجازات تکمیلی برگزیند، و این برخلاف سایر مجازات‌های یاد شده در قانون است که در آنها پس از اثبات جرم، قاضی موظف به صدور حکم به مجازات است مگر شرایطی همچون تعویق صدور حکم، سقوط مجازات و مانند آن، موجود باشد.

با توجه به مصادیق مجازات‌های تکمیلی در قانون و خفیف‌تر بودن این مجازات‌ها در مقایسه با حدود و قصاص، به نظر می‌رسد که هدف اصلی قانون‌گذار از این واکنش‌ها، اثر پیشگیرانه این اقدامات باشد و با قرار دادن مجازات‌های تکمیلی در کنار سایر مجازات‌های شدید، درصدد تکمیل آثار این مجازات‌ها (حدود و قصاص و تعزیرات)، در راستای هدف پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم در آینده است، زیرا امروزه پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح و تربیت مجرمان، در درجه نخست اهمیت قرار دارد و بیشتر حقوق‌دانان از جمله گراماتیکا و مارک آنسل، در تبیین هدف مجازات‌ها، سمت و سوی اصلاح و تربیت مجرمان را برگزیده‌اند، بنابراین یکی از مهمترین راهکارهای پیشگیری از جرم بهره‌گیری از مجازات‌هایی است که در ردیف تدابیر تأمینی و تربیتی جای دارند.

می‌توان گفت مجازات‌های تکمیلی همه اهداف و ویژگی‌های مجازات‌ها را ندارند و با توسعه افکار مکتب تحقیقی که در اندیشه پیشگیری از ارتکاب و تکرار جرم و در صدد اجرای تدابیر امنیتی خاص بر

افرادی که حالت خطرناک دارند و نیز تحول در مفهوم جرم و مجازات، تغییر هدف حقوق کیفری از اهداف سنتی به هدف دفاع اجتماعی از طریق دوباره اجتماعی کردن مجرمان و به تعبیر ژان پرادل «جایگزینی اصل استعداد بزهکار برای زندگی به جای اصل کلاسیک تناسب میان کیفر و بزه» (پرادل، ۱۳۷۳، ص ۹۹)، مدنظر قرار دادن شخصیت مجرم و لزوم تناسب میان شخصیت مجرم و تدابیر امنیتی، پیش‌بینی شده‌اند و بیشتر اقداماتی جهت پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم، محسوب می‌شوند؛ بنابراین این ایراد بر قانون‌گذار وارد است که با توجه به مبنای وجودی این اقدامات در راستای پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم در آینده، به چه علت مطابق تبصره ۲ ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی قائل به حذف مجازات‌های تکمیلی در صورت یکی بودن آنها با مجازات‌های اصلی است، در حالی که فلسفه وجودی مجازات‌های تکمیلی و اصلی با یکدیگر متفاوت است.

گفتنی است که با وجود ایراداتی که بر ماهیت کیفری داشتن این گونه اقدامات، به ویژه تعارض با دو قاعده شرعی «مجاز نبودن مجازات کردن جانی به بیش از جانش» و «ثابت و لایتغیر بودن حدود»، بیان شد، اما ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی بدین صورت تصویب شده است، بنابراین شاید بتوان گفت که این امر قرینه‌ای است مبنی بر این که شورای نگهبان نیز با وجود این که قانون‌گذار اقدامات یاد شده در ماده ۲۳ قانون مجازات را با عنوان «مجازات‌های تکمیلی» آورده است، قائل به ماهیت غیرکیفری این گونه اقدامات است. بنابراین شایسته‌تر آن است که بگوییم «مجازات‌های تکمیلی» در مفهوم عام مجازات و به معنای نوعی واکنش غیرکیفری در مقابل ارتکاب جرم است، تا قاضی با توجه به شرایط و اوضاع و احوال پرونده، مطابق مواد دیگر قانون مجازات اسلامی، واکنش کیفری مناسب به ازای فعل ارتكابی تعیین و سپس با استناد به ماده ۲۳ قانون مجازات، یک واکنش غیرکیفری مناسب نیز برای پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم در آینده مورد حکم قرار دهد.

جایگاه مجازات‌های تکمیلی در طبقه‌بندی مجازات‌ها: مطابق قانون مجازات اسلامی، مجازات‌ها به چهار دسته حد، قصاص، دیه و تعزیر تقسیم می‌شوند. مراد از حدود در حقوق جزا، کیفرهایی است که شارع مقدس در کتاب و سنت برای برخی از گناهان مهم از نظر کمی و کیفی تعیین کرده است (گرچی، ۱۳۸۱، ص ۱۰). این گونه مجازات‌ها بیشتر بدنی و معدودی سالب آزادی است و قاضی در افزایش و کاهش و تبدیل و اسقاط آن اختیاری ندارد. در قانون مجازات اسلامی قانون‌گذار قصاص را تعریف نکرده، ولی

با توجه به مقررات مندرج در کتاب سوم می توان گفت، قصاص حقی است که به مجنی علیه و اولیاء دم او تعلق می گیرد و تنها در ارتکاب جنایات عمدی بر نفس، عضو و منفعت قابل استیفاء است. با توجه به ویژگی های حدود و قصاص و واضح و مبرهن بودن مصادیق این دسته از واکنش ها، مجازات های تکمیلی را نمی توان در زمره حد و قصاص برشمرد.

از دیگر واکنش های جزایی، واکنش های غیرکیفری هستند، که از منظر اهداف و ویژگی های از واکنش های کیفری متمایز هستند و هدف بازدارندگی و اصلاح مجرمان از ویژگی های بارز این گونه اقدامات است، بدین صورت که برخلاف واکنش های کیفری که بیشتر در صدد سزادهی و حفظ نظم عمومی و عدالت در سطح جامعه است، واکنش های غیر کیفری با ملاحظه شخصیت و ویژگی های بزهکار، متکی بر زور و سرکوبی نیست و بیشتر در راستای اصلاح بزهکار و پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم در آینده هستند، همچنین این دسته از واکنش ها برخلاف ویژگی حدت و شدت مجازات ها، خفیف و سبک هستند و آزار کمتری به مجرم وارد می آورند. دیه و تعزیر را می توان در زمره واکنش های جزایی غیرکیفری قلمداد کرد. برخی دیه را مجازات دانسته اند و در تأیید این نظر دلایلی نیز بیان کرده اند از جمله این که، قانون گذار در قانون مجازات، دیه را در ردیف مجازات ها قرار داده است، برخی دیگر دیه را جبران خسارت می دانند و آن را از ردیف مجازات ها خارج می کنند. از جمله فقهایی که این نظر را مطرح می کند، مرعشی (۱۳۷۳) است و برخی نیز همچون کاتوزیان قائل به ماهیت دوگانه دیه هستند، اداره حقوقی دادگستری نیز در چند مورد این نظر را به صورت تلویحی پذیرفته است. مطابق ماده ۱۴ قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲، دیه در زمره واکنش های کیفری قرار گرفته است، اما با توجه به مواد ۴۵۲ و ۴۵۴ قانون مجازات به نظر می رسد دیه را باید در زمره واکنش های غیر کیفری دانست. دیه غیر مقدر همان ارش است که به سبب تلف عضو یا نقص و صدمه ای که بر بدن وارد شده است، در مواردی که تقدیر شرعی معین نشده است، به وسیله جانی باید پرداخت شود. بنابراین موارد پرداخت دیه اعم از مقدر و غیر مقدر کاملاً واضح و روشن است و مطابق قانون مجازات، دیه مالی است که تنها در ارتکاب جنایت غیر عمدی بر نفس، اعضاء و منافع یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهت قصاص ندارد، مطابق قانون پرداخت می شود. پر واضح است که مجازات های تکمیلی را نمی توان در زمره دیات و از دیگر واکنش های غیرکیفری تعزیرات دانست.

تعزیرات صورت های خاصی از واکنش کیفری و تدابیر و تمهیدات غیرکیفری است، که در جریان

مبارزه با بزهکاری و به منظور حذف فساد و کژی از محیط زندگی اجتماعی و فردی اعمال می‌شود. روشی که هدف از آن تأمین پاداش خطاکار و سزای وی به وسیله اجرای مجازات به سبب تجاوز به یک قاعده حقوقی نیست بلکه هر چند در مواردی این نوع از واکنش‌ها ممکن است آثار تبعی دیگری مانند: تحقق پاداش کیفری مجرم، ارضای وجدان عمومی و یا کفاره گناه مجرم، در پی داشته باشند، اما به عنوان نظامی از مجازات‌ها که بر پایه پاداش و تلافی بنا شده باشد، محسوب نمی‌شود (صادقی، بی‌تا، ص ۵۲).

به عبارت دیگر «مجازات‌های تعزیری و یا به تعبیر دیگر، مجازات‌های نامعین، همان است که در تحولات حقوق کیفری از آن به «اصل فردی کردن مجازات‌ها» تعبیر شده است» (شاه ملک پور، ۱۳۹۷، ص ۸۴۳)؛ بنابراین گفته شده است که هدف اساسی تعزیرات، حذف بزهکاری است که گاهی در راستای دستیابی به این هدف مجموعه‌ای از تدابیر و واکنش‌های غیرکیفری که متکی بر زور و سرکوبی نیست و بیشتر در پی سلب امکان خطرناکی و ارتکاب مجدد جرم بزهکار از طریق اقدامات درمانی، تربیتی و اصلاحی است، بکار گرفته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت واکنش‌های غیرکیفری که در مقابل ارتکاب جرم بر مجرم اعمال می‌شوند نیز در زمره تعزیرات قرار می‌گیرند، به گونه‌ای که پاره‌ای از حقوق دانان واکنش‌های تعزیری را به لحاظ طبیعت آنها به دو دسته «کیفر» و «تدابیر جنایی»، تقسیم کرده‌اند و در تعریف تدابیر جنایی بیان کرده‌اند: «تدابیر جنایی مجموعه‌ای از اقدامات غیرکیفری و تا حدودی تأدیبی و تأمینی است، که با هدف صیانت از جامعه و حمایت از متخلف، از طریق دفع شرارت و بی‌خطر ساختن وی اتخاذ شده و در هر مورد متناسب با شرایط و موقعیت‌های خاص، ممکن است صورت‌های متغیر و متفاوتی بیابد و در هر حال عاری از ویژگی‌های مجازات است» (صادقی، بی‌تا، ص ۶۸).

می‌توان گفت تعزیرات در مفهوم عام شامل هرگونه اقدامی علیه جرم اعم از کیفری و غیرکیفری هستند، اما تعزیرات در مفهوم خاص شامل اقدامات کیفری است که در مقابل ارتکاب جرم بر مجرم اعمال می‌شود. تعزیرات در مفهوم عام به دو دسته واکنش‌های کیفری تعزیری (مجازات‌های تعزیری) و واکنش‌های غیرکیفری تعزیری (تدابیر جنایی) تقسیم می‌شوند. تدابیر جنایی متفاوت از مجازات‌های تعزیری هستند، بنابراین قواعد و قوانین موجود در مجازات‌های تعزیری که بر مبنای ماهیت مجازات گونه آنهاست، در خصوص این دسته از تعزیرات اعمال نمی‌شوند، بنابراین قواعدی همچون قاعده «منع مجازات کردن جانی بیش از جانش» در خصوص «تدابیر جنایی» قابلیت اعمال ندارند زیرا در قاعده

«منع مجازات کردن جانی بیش از جانش»، بیان کردیم که علاوه بر مجازات بر نفس، نمی‌توان مجازات دیگری (در مفهوم خاص مجازات که شامل واکنش کیفری است) بر جانی اعمال کرد، بنابراین با توجه به فقدان ماهیت مجازات گونه «تدابیر جنایی»، این گونه اقدامات قابلیت اعمال بر جانی را دارند، زیرا مطابق قاعده تنها قسمی از تعزیرات که با عنوان «مجازات‌های تعزیری» شناخته می‌شوند محدودیت اعمال بر جانی را دارند اما تدابیر جنایی را به عنوان واکنشی مستقل از مجازات‌ها می‌توان بر جانی اعمال کرد. می‌توان گفت مقصود قانون‌گذار از عبارت «مجازات‌های تکمیلی» در ماده ۲۳ قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲، قرار دادن اقدامات یاد شده در این ماده، در قلمرو تعزیرات در مفهوم عام مجازات‌های تعزیری است و با دقت نظر در ویژگی‌ها و مصادیق مجازات‌های تکمیلی در قانون، در می‌یابیم که «مجازات‌های تکمیلی» را باید در زمره واکنش‌های تعزیری غیرکیفری یا همان تدابیر جنایی، قرار داد، به عبارت دیگر «مجازات‌های تکمیلی را می‌توان در ردیف پاسخ‌های پسینی غیرکیفری دانست» (غلامی، ۱۳۹۵، ص ۴۶). دلیل این امر آن است که مطابق قانون و شرع، تعزیرات شامل هرگونه اقدامی است که در مقابل ارتکاب جرم بر مجرم اعمال می‌شود ولو به صورت توییح و تهدید و مانند آن باشد، همچنین هدف واکنش‌های تعزیری غیرکیفری (تدابیر جنایی)، بیشتر پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم است و واکنش‌هایی به مراتب خفیف‌تر از مجازات‌ها هستند و مجازات‌های تکمیلی نیز فاقد ماهیت کیفری هستند و در زمره تعزیرات در مفهوم عام قرار می‌گیرند که پس از ارتکاب جرم و در راستای پیشگیری از تکرار جرم اعمال می‌شوند، بنابراین می‌توان مجازات‌های تکمیلی را از حیث ماهیت جزء گونه‌های غیرکیفری تعزیری دانست و بیان کرد که «پیش‌بینی این مجازات‌ها با تفکر مکتب تحقیق حقوق کیفری هم‌سوئی دارد» (نوریان، عزیزی و شاه‌محمدی، ۱۳۹۳، ص ۴۴).

روش‌شناسی

این پژوهش به روش تحلیلی توصیفی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تنظیم شد و با مراجعه به کتابخانه اعم از واقعی و مجازی، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بنابراین، با تکیه بر تعریف، ماهیت و ویژگی‌های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات ضمن بیان تعریفی جامع و کامل از مجازات‌های تکمیلی، جایگاه این گونه اقدامات در واکنش‌های جزایی و طبقه‌بندی مجازات‌ها بررسی

و با توجه به ماهیت پیشگیرانه مجازات‌های تکمیلی، مصادیق آن از منظر جرم‌شناسی تحلیل شد.

یافته‌ها

تحلیل جرم‌شناختی مصادیق مجازات‌های تکمیلی: با توجه به ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، مصادیق مجازات‌های تکمیلی را می‌توان در سه دسته ممنوعیت، الزام، اقدامات تکمیلی حکومتی، طبقه‌بندی کرد. ممنوعیت: آورده‌های جرم‌شناسی حاکی از آن است که با توجه به ویژگی‌های متمایز اشخاص، برخی شرایط زمانی و مکانی جرم‌زا تلقی می‌شوند؛ بدین معنا که ارتکاب جرم با توجه به موقعیت خاص زمانی و مکانی شخص، حاکی از حالت خطرناک او در چنین شرایطی است و احتمال ارتکاب مجدد جرم با حفظ موقعیت موجود افزایش می‌یابد، فلذا جهت پیشگیری از ارتکاب رفتارهای مجرمانه، از استمرار چنین شرایط زمانی و مکانی در خصوص مجرم جلوگیری می‌شود و با تکیه بر دستاوردهای مکتب تحقیقی که «با پذیرش هدف اصلاح افرادی که حالت خطرناک دارند و تأکید بر شخصیت مجرم با توجه به تفاوت شخصیتی بین مجرمان، خواهان تدابیر امنیتی خاصی، برای پیشگیری از ارتکاب و تکرار جرم شده است» (محمد بیکی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۴)، می‌توان گفت که این‌گونه ممنوعیت‌ها صرف نظر از سزادهی و مجازات مجرم، بیشتر در راستای پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم اعمال می‌شوند و ماهیتی تدبیری، تأمینی و پیشگیرانه دارند. منع اقامت در محل یا محل‌های معین، منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین، منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری، منع از داشتن دسته چک و یا صدور اسناد تجاری، منع حمل سلاح، منع خروج اتباع ایران از کشور، منع عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی یا اجتماعی از جمله مصادیق مجازات‌های تکمیلی هستند که می‌توان گفت به طور ذاتی ماهیت غیرکیفری داشته و بیشتر با تکیه بر بروز حالت خطرناک فرد در شرایط موجود، فقط برای پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم اعمال می‌شوند.

در ادامه دو نکته را می‌بایست خاطرنشان ساخت؛ نخست آن که این‌گونه اقدامات پیشگیرانه باید با توجه به جرم ارتكابی و شرایط و احوال مؤثر در ارتکاب جرم و ویژگی‌های مرتکب اعمال شوند، بدین معنا که موقعیت و شرایطی که مجرم از آن منع می‌شود باید در وقوع جرم مؤثر باشد؛ مؤید این امر ماده ۳۰ قانون مجازات اسلامی است که بیان می‌دارد، منع اشتغال، کسب، حرفه یا کار معین مشروط

به آن است که جرم به سبب اشتغال به شغل، کسب، حرفه یا کار ارتکاب یابد یا آن اشتغال وقوع جرم را تسهیل کند. دوم این که از میان مصادیق ممنوعیت یاد شده در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، منع خروج اتباع ایران از کشور با توجه به حالت خطرناک شخص در موقعیت های جرم زان نیست بلکه اقدامی پیشگیرانه برای جلوگیری از عدم دسترسی به مرتکب جرم به منظور اتمام دوره مجازات و یا جبران ضرر و زیان بزه دیده و مانند آن است.^۱

الزام: اصل فردی کردن مجازات ها که از دستاوردهای مکتب تحقیقی است، توجه به شخصیت مجرم را جهت اعمال واکنش مناسب علیه جرم، بیش از پیش مورد توجه قرار می دهد؛ فلذا حقوق جزای نوین در راستای شناسایی و بررسی شخصیت مجرم، جهت اعمال واکنش مناسب به منظور اصلاح و بازپروری مجرم گام بر می دارد. بدین منظور در برخی از کشورها به قاضی این اختیار داده شده است که متناسب با جرم ارتكابی و ویژگی های مرتکب، ضمن مجازات مرتکب که جنبه سزادهی و تنبیه مجرم را دارد، اقداماتی برای بهسازی شخصیت مجرم و پیشگیری از ارتكاب مجدد جرم اعمال کند. اقامت در محل یا محل های معین، الزام به خدمات عمومی، الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین و الزام به تحصیل از مصادیق مجازات های تکمیلی است که قاضی می تواند علاوه بر مجازات، مرتکب جرم را به انجام این گونه اقدامات ملزم کند. به عنوان مثال برخی از جرائم به دلیل ناآگاهی و تحصیلات از سوی اشخاص به ویژه جوانان و نوجوانان بروز می کند؛ مثلاً جرائم مرتبط با محیط زیست در پاره ای از موارد به دلیل ناآگاهی از فواید محیط زیست و شناخت اقدامات مضر به سلامت آب، گیاهان و مانند آن ارتكاب می یابند، بنابراین قاضی می تواند با الزام شخص به تحصیل علاوه بر رشد فرهنگی و اجتماعی او، از ارتكاب مجدد جرم نیز جلوگیری کند؛ همچنین حضور در میان اشخاص تحصیل کرده و کسانی که در راستای رعایت هنجارهای اجتماعی گام بر می دارند نیز می تواند در رشد اخلاقی و اجتماعی فرد مؤثر باشد، بنابراین در برخی موارد قاضی مرتکب جرم را به حضور در محل یا محل های معین ملزم می کند. همچنین برخی جرائم، به ویژه در جوامع امروزی، به دلیل مشکلات مالی ارتكاب می یابند که با الزام شخص به یادگیری شغل و کسب درآمد به شیوه های مشروع، می توان از بزهکاری مجدد فرد پیشگیری کرد. بنابراین همان

۱. به عنوان نمونه در ماده واحد لایحه قانونی ممنوعیت خروج بدهکاران بانک ها مصوب ۱۳۵۹/۲/۲۰، به بانک مرکزی ایران اجازه داده می شود به منظور جلوگیری از خروج اشخاصی که به بانک ها بدهکار هستند و وارد کنندگان و صادرکنندگان که به تعهدات خود عمل نکرده اند، از طریق دادسرای عمومی تهران خواستار ممنوعیت خروج آنان از کشور شود.

گونه که ملاحظه می‌شود این گونه الزامات فاقد ویژگی سزادهی و مکافات که مشخصه بارز مجازات‌ها و واکنش‌های جزایی است، هستند و بیشتر در راستای بازپروری مجرم و جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم اعمال می‌شوند.

اقدامات تکمیلی حکومتی: انفصال از خدمات دولتی و عمومی، اخراج بیگانگان از کشور، توقیف وسایل ارتکاب جرم یا رسانه یا مؤسسه دخیل در ارتکاب جرم، انتشار حکم محکومیت قطعی، از مصادیق مجازات‌های تکمیلی است که قاضی با توجه به اعمال حاکمیت از جانب دولت، می‌تواند علاوه بر مجازات مرتکب، به این گونه اقدامات تکمیلی نیز حکم دهد؛ بنابراین این دسته از مجازات‌های تکمیلی، با عنوان اقدامات تکمیلی حکومتی مطرح می‌شود، بدین معنا که اقداماتی در راستای پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم و تکمیل‌کننده مجازات‌ها هستند، که از جانب قاضی در راستای اعمال حاکمیت دولت مورد حکم قرار می‌گیرند.

این نکته را باید خاطرنشان ساخت که با توجه به ویژگی‌های مرتکب و اوضاع و احوال مؤثر در وقوع جرم، این گونه اقدامات تکمیلی تنها در خصوص برخی مجرمان قابلیت اعمال دارند، به عنوان مثال انفصال از خدمات دولتی و عمومی با توجه به ویژگی مرتکب (کارمند دولت بودن) و شرایط و اوضاع و احوال مؤثر در وقوع جرم، تنها در خصوص کارمندان دولت اعمال می‌شود، همچنین در شرایطی که قاضی تبعه بیگانه را به عنوان عنصری نامطلوب تشخیص دهد، جهت پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم در قلمرو ایران و تهدید امنیت و آسایش عمومی، حکم به اخراج او از کشور می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

اصل فردی کردن مجازات‌ها که به نوعی متأثر از اندیشه مکتب تحقیقی در راستای توجه به شخصیت مجرم است، سبب شد تدابیری فرعی همچون مجازات‌های تکمیلی و تبعی، جهت پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم و تناسب هرچه بیشتر واکنش‌های جزایی با شخصیت مجرم در معیت واکنش‌های کیفری، در حقوق جزا مطرح شوند. مجازات‌های تکمیلی، اقدامات غیرکیفری تعزیری هستند که با رعایت شرایط قانونی، پس از محکومیت به مجازات اصلی، در خصوص مجرم در دادنامه مورد حکم قرار می‌گیرند. «مجازات‌های تکمیلی» رانمی‌توان در ردیف واکنش‌های کیفری قرار داد، زیرا این اقدام مشکلاتی را ایجاد

خواهد کرد، ضمن این که ضرورتی بر مجازات دانستن این گونه تدابیر وجود ندارد. می‌توان گفت مقصود قانون‌گذار از بکار بردن عنوان مجازات بر این تدابیر، مجازات در معنای اخص آن که فقط شامل واکنش‌های کیفری است، نیست و قانون‌گذار با بکار بردن عنوان «مجازات‌های تکمیلی» در صدد قرار دادن این گونه اقدامات در مفهوم نوعی واکنش کیفری نیست، بلکه قانون‌گذار آنها را در مفهوم عام مجازات، یعنی به عنوان گونه‌ای از واکنش‌ها اعم از کیفری و غیرکیفری، در مقابل ارتکاب جرم می‌داند و با توجه به این که تعزیرات در مفهوم عام به دو دسته واکنش‌های کیفری تعزیری (مجازات‌های تعزیری) و واکنش‌های غیرکیفری تعزیری (تدابیر جنایی) تقسیم می‌شوند، بنابراین می‌توان گفت مقصود قانون‌گذار از عبارت «مجازات‌های تکمیلی» در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قرار دادن اقدامات یاد شده در این ماده، در قلمرو تعزیرات در مفهوم عام مجازات‌های تعزیری است و با دقت نظر در ویژگی‌ها و مصادیق مجازات‌های تکمیلی در قانون، در می‌یابیم که «مجازات‌های تکمیلی» را باید در زمره واکنش‌های تعزیری غیرکیفری یا همان تدابیر جنایی، قرار داد. بنابراین شایسته‌تر آن است که بگوییم «مجازات‌های تکمیلی» در مفهوم عام مجازات و به معنای نوعی واکنش غیرکیفری در مقابل ارتکاب جرم است تا قاضی با توجه به شرایط و اوضاع و احوال پرونده، مطابق مواد دیگر قانون مجازات اسلامی، واکنش کیفری مناسب به ازای فعل ارتكابی تعیین و سپس با استناد به ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی یک واکنش غیرکیفری مناسب نیز برای پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم در آینده مورد حکم قرار دهد.

پیشنهادها

این نکته را باید خاطر نشان ساخت که با توجه به این که مجازات‌های تکمیلی در راستای پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم هستند، حذف تبصره ۲ ماده ۲۳ با هدف بارز این گونه واکنش‌ها سازگارتر است، همچنین با توجه به گستره وسیع مصادیق مجازات‌های تکمیلی، تفویض اختیار به قاضی در اعمال چند مورد از مجازات‌های تکمیلی (تا ۱۵ مورد) نیازمند بازنگری است و تحدید اختیار قاضی به اعمال تعداد مشخصی از این مجازات‌ها ضروری است تا افراط در اعمال این واکنش‌ها، این گونه اقدامات را از هدف بارز آنها که همان پیشگیری از تکرار جرم و بازسازی و بهسازی شخصیت مجرم است منحرف نکند و به اقدامی برای سزادهی مرتکب مبدل نشوند.

فهرست منابع

- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۱). بازپروری عادلانه مجرم. *مجله آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی*. شماره ۳. اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۳). *حقوق جزای عمومی*. جلد سوم. تهران: نشر میزان.
- آقای جنت مکان، حسین. (۱۳۹۷). *مجازات‌های تکمیلی؛ ابزاری برای مدیریت رفتارهای مخاطره‌آمیز؛ دز دایره‌المعارف علوم جنایی*. کتاب سوم. تهران: نشر میزان.
- باهری، محمد. (۱۳۸۱). *حقوق جزای عمومی* (تقریرات دکتر محمد باهری). تهران: انتشارات رهام.
- پرادل، ژان. (۱۳۷۳). *تاریخ اندیشه‌های کیفری*. (علی حسین نجفی ابرندآبادی، مترجم). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). *لغت‌نامه دهخدا*. جلد دوازدهم. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- زراعت، عباس. (۱۳۹۲). *حقوق جزای عمومی ۳*، (مجازات‌ها و اقدامات تأمینی). جلد دوم. تهران: انتشارات جاودانه.
- زینالی، امیرحمزه و بهرامی یاسی کند، همین. (۱۳۹۶). *جامعه‌شناسی مجازات*. تهران: انتشارات خرسندی.
- ساوالاتی، اسماعیل. (۱۳۹۲). *حقوق جزای عمومی منطبق با قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲/۲/۱*. چاپ دوم. تهران: نشر میزان.
- شامبیاتی، هوشنگ. (۱۳۸۹). *حقوق جزای عمومی*. جلد دوم. چاپ شانزدهم. تهران: انتشارات مجد.
- شاه ملک پور خشک بیجاری، حسن. (۱۳۹۷). *مجازات‌های تعزیری و عرفی شدن سیاست کیفری اسلام*. در *دایره‌المعارف علوم جنایی*: کتاب سوم. تهران: نشر میزان.
- شیرک، دیوید. (۱۳۹۰). *مفهوم و ماهیت مجازات*. (حسین آقائی جنت مکان، مترجم). اهواز: دانشگاه شهید چمران اهواز.
- صادقی، محمدهادی. (بی تا). *جزوه حقوق جزای عمومی ۳*. شیراز: واحد انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه شیراز.
- طاهری، سمانه. (۱۳۹۲). *سیاست کیفری سخت‌گیرانه*. تهران: نشر میزان.
- عمید، حسن. (۱۳۶۵). *فرهنگ فارسی عمید سه جلدی*. چاپ دوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- غلامی، حسین. (۱۳۹۵). *کیفرشناسی (کلیات و مباحث پاسخ‌شناسی جرم)*. تهران: نشر میزان.
- گرچی، ابوالقاسم؛ شکاری، روشنعلی و فریار، حسین. (۱۳۸۱). *حدود و تعزیرات و قصاص*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محمد بیکی خورتابی، علیرضا. (۱۳۹۷). *بررسی فقهی حقوقی مجازات‌های تکمیلی و تبعی*. تهران: نشر میزان.
- مرعشی، محمدحسین. (۱۳۷۶). *دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام*. تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۵). *پیشگیری عادلانه از جرم، دز علوم جنایی*، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد محمد آشوری. چاپ ششم. تهران: انتشارات سمت.
- نوریان، علیرضا؛ عزیزی، غلام علی و شاه محمدی، حمید. (۱۳۹۳). *واکوی مجازات‌های تکمیلی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*. *ماهنامه کانون*، شماره ۱۳۸، صص ۴۳-۶۲.